

عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)*

دلارام شجاعی**
پروین پرتوی***

چکیده

گرایش به زندگی ماشینی، حضور گسترده وسایل نقلیه و تغییر چهره شهر به واسطه چیرگی اتومبیل بر فضای شهری، جدایی‌گزینی مردم از فضاهای عمومی، نادیده‌انگاری ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی نهفته در فضاهای عمومی، بی‌توجهی به حفظ و ارتقای حیات جمعی در دهه‌های پیشین، موجب شده که برخی فضاهای عمومی در مقیاس‌های مختلف شهری اهمیت و نقش خود را از دست بدهند. ایجاد فضاهای عمومی در مقیاس‌های مختلف شهری در دهه‌های اخیر تلاشی در جهت رفع نیاز اجتماعی انسان به فضاهای عمومی بوده است. حضور افراد در این فضاها منجر به اجتماع‌پذیری فضای عمومی و عاملی در جهت موفقیت فضاهاست. حال مقیاس‌های نزدیک به هم، نداشتن ویژگی‌ها و معیارهای فضاهای عمومی موفق و عدم معیارهایی جهت اجتماع‌پذیری فضاها منجر به خالی و رانده‌شدن فضاها شده است. از این لحاظ شناسایی معیارهای ایجادکننده و ارتقا دهنده اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی ضرورتی است در این جهت که مانع از خاموشی و از رونق افتادن فضاهای عمومی در مقیاس‌های مختلف باشد. سؤالات مطرح در این خصوص عبارتند از: عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضای عمومی چیست و اینکه آیا وجود فضاهای عمومی در مقیاس‌های نزدیک به هم محله و ناحیه ضروری است یا خیر. هدف از تحقیق پیش‌رو تبیین عوامل مؤثر در ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با در نظر گرفتن مقیاس‌های مختلف فضاهای عمومی در شهر تهران است. جهت پاسخگویی به هدف بیان شده ابتدا مفهوم فضاهای عمومی، اجتماع‌پذیری، اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی مورد مطالعه قرار گرفته و معیارهایی جهت سنجش اجتماع‌پذیری فضاها در یک مدل مفهومی شامل سه بعد اجتماعی، کالبدی و فعالیتی تدوین شده است. جهت سنجش معیارها، فضاهای عمومی دو محله دبستان و سهروردی و پارک اندیشه در مقیاس ناحیه انتخاب شده‌اند. مشاهده و تحلیل کیفی، استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی که با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده در راستای سنجش معیارها و پاسخگویی به فرضیه و سؤالات تحقیق بوده است. نتیجه نشان می‌دهد که فضای عمومی ناحیه با وجود دسترسی کمتر و بعد فاصله‌ای بیشتر مورد استقبال بیشتر ساکنین دو محله نسبت به فضاهای عمومی خود قرار گرفته و از اجتماع‌پذیری بالایی برخوردار است. نتیجه حاصل شده نشان می‌دهد که توجه به معیارهای اجتماع‌پذیری در حین برنامه‌ریزی و طراحی فضاها موجب می‌شود آنها در کنار یکدیگر و در مقیاس‌های مختلف به حیات خود ادامه دهند.

واژگان کلیدی

اجتماع‌پذیری، فضای عمومی، محله، ناحیه.

*. این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد دلارام شجاعی با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی شهر تهران (نمونه موردی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران) به راهنمایی دکتر پروین پرتوی در دانشگاه هنر تهران است.

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه هنر تهران، نویسنده مسئول ۰۹۱۳۳۸۶۵۴۸۳

del.sh86@yahoo.com

*** دکتری شهرسازی. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر تهران

p.partovi@art.ac.ir

مقدمه

ایجاد و بازتولید فضاهای عمومی اجتماع‌پذیر به عنوان محل رخداد تعاملات اجتماعی در راستای خلق محیط‌های شهری پایدار، یکی از اهدافی است که در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که به دلایل مختلف از جمله گرایش به زندگی ماشینی، حضور گسترده وسایل نقلیه و تغییر چهره شهر به واسطه چیرگی اتومبیل بر فضای شهری، افزایش سرعت جابه‌جایی، جدایی‌گزینی مردم از فضاهای عمومی، نادیده‌نگاری ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی نهفته در فضاهای عمومی، بی‌توجهی به حفظ و ارتقای حیات جمعی در دهه‌های پیشین، برخی از این فضاها در مقیاس‌های مختلف شهری اهمیت و نقش خود را از دست داده‌اند.

این فضاها غالباً به نیاز انسان به عنوان یک موجود اجتماعی به درستی پاسخگو نبوده و مردم تنها به فضاهای شهری به عنوان مسیری برای گذر می‌نگرند. فضاهای عمومی به واسطه عدم حضور شهروندان به مرور زمان، بعد اجتماعی خود را از دست داده‌اند. در واقع این فضاها به جای آن که مردم را به مکث و حضور و برقراری مرادفات اجتماعی دعوت کنند، به عبور تشویق می‌کنند و دیگر تجربه برخورد با دیگران، حس تعلق به جامعه، دیدارهای چهره به چهره، تعاملات اجتماعی به درستی اتفاق نمی‌افتد. استفاده از فضاهای عمومی بخش مهمی از زندگی روزمره است و فضاهای عمومی به عنوان مکان‌های ملاقات برای مردم عمل می‌کنند (Gehl, 2004). عملکرد اصلی فضای عمومی، فراهم‌سازی و بسترسازی حضور مردم است، لذا ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (رفعیان، ۱۳۸۸). انسان به عنوان مهم‌ترین عامل در پویایی فضاهای شهری نیازمند بستری مناسب جهت حضور مؤثر در فضاهای عمومی است. پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین فرصت‌های لازم در زمینه کسب تجارب اجتماعی وی، مستلزم وجود فضا و قرارگاه کالبدی است و فضای عمومی ظرفیتی عظیم در پاسخ به این جنبه از حیات انسان در جوامع شهری محسوب می‌شود (دانشپور، ۱۳۸۶). بشر همواره با ایجاد ساختارهایی در شهر، نیاز ذاتی خود به برقراری روابط اجتماعی را برآورده کرده، فضاهایی که از نظر اجتماعی فعال بوده و امکان ارتباطات چهره به چهره انسانی را، درون اجتماع شهر و در کالبدی سازمان‌یافته فراهم کند. ایجاد فضاهای عمومی در مقیاس‌های مختلف شهری که در دسترس عموم بوده و بتواند به نیازهای همه گروه‌ها پاسخ دهد در این زمره است. فضای عمومی محله‌ای به عنوان اولین مکان برقراری رابطه انسان با اجتماعش در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه جامعه‌شناسان، برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته است. فضای عمومی در سطح محلات باید بتواند فرصت تعاملات اجتماعی را فراهم کرده و بدین ترتیب حس انسجام محلی را ایجاد کند (مدنی‌پور، ۱۳۸۷ : ۱۶۶). در کشور ما نیز

تلاش برای ارتقاء اجتماع‌پذیری در قالب ایجاد فضاهای عمومی در مقیاس‌های مختلف شهری (محله، ناحیه، منطقه و شهر) نمود پیدا کرده است. ایجاد مراکز محله‌ای، پارک‌ها و فرهنگسرا در مقیاس ناحیه و ... از این جمله‌اند. این فضاها علاوه بر کارکردهای تعریف‌شده‌شان، در ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری ساکنان نقش عمده‌ای داشته و توانسته‌اند این حلقه گمشده بین مردم را احیا کنند. همچنین تا حدی ساکنان را از کنج خانه و فردگرایی‌های رهایی بخشیده و به اجتماع بازگردانند. انتخاب این مکان‌ها از سوی مردم برای گذران اوقات فراغت، مرادفات اجتماعی و ... بستگی شایان توجهی به ویژگی‌های کالبدی-عملکردی و اجتماعی فضاهای عمومی ایجادشده در این مقیاس‌ها دارد.

حال می‌توان سؤالات تحقیق را این‌گونه بیان داشت : عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با توجه به مقیاس‌های مختلف فضاهای عمومی در شهر چیست؟ آیا وجود فضاهای عمومی در مقیاس‌های نزدیک به هم محله و ناحیه در ارتقاء اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی ضروری است؟ پاسخ ابتدایی به این سؤالات که در قالب فرضیه پژوهش بیان شده بیانگر این است که به نظر می‌رسد عدم توجه به مقیاس‌های فضاهای عمومی در سطوح مختلف (محله، ناحیه و ...) موجب تداخل یا اختلال عملکردی بر روی یک فضا شده است.

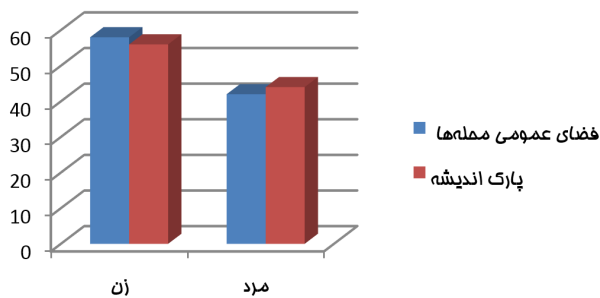
در این خصوص فضاهای عمومی محله دبستان، محله سهروردی و ناحیه ۴ در منطقه ۷ تهران به عنوان نمونه موردی در نظر گرفته شده است. این دو محله در دو موقعیت مکانی (فاصله‌ای) متفاوت نسبت به فضای عمومی ناحیه ۴ واقع شده و از لحاظ تقسیمات اداری در این ناحیه واقع نیستند. دوری و نزدیکی این دو محله به فضای مذکور موجب تنوع در انتخاب گروه‌های سنی و جنسی مختلف برای اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی محله‌شان و ناحیه شده است. ساکنین به فراخور مقیاس کالبدی عملکردی، همچنین نیازهایشان انتخاب‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند. به طور خلاصه می‌توان ضرورت پرداختن به اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی را در مقوله‌های زیر بیان کرد :

ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان شهروندان.
ارتقاء حس حضور شهروندان در عرصه‌های مختلف شهری.
تأمین نیازهای روانی و عاطفی شهروندان ناشی از فضاهای عمومی و شهری.

ارتقاء حس تعلق افراد به فضاها؛
تحکیم نقش فضاهای عمومی در مقیاس‌های مختلف و جلوگیری از خاموشی و رانده‌شدن فضاها.

روش تحقیق

این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی و کمی قرار دارد. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است. توصیفی است چرا که به توصیف و شناخت اجتماع‌پذیری در



نمودار ۱. جنسیت پرسش‌شوندگان. مأخذ: نگارندگان.

Diagram 1. Gender of respondents. Source: authors.

مثبت فضاهای عمومی پرداخته‌اند؛ در نتیجه این تحقیقات محققان اجتماع‌پذیری و ویژگی‌های اجتماعی را یکی از عوامل اساسی در فضاهای عمومی می‌دانند: از جمله می‌توان به مطالعه‌ای اشاره کرد که بر روی بیش از ۱۰۰۰ قطعه فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف دنیا انجام شده، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ۴ عامل اساسی: دسترسی و به هم پیوستگی، آسایش و تصویر ذهنی، استفاده‌ها و فعالیت‌ها، اجتماع‌پذیری در موفقیت فضاهای عمومی مؤثرند. در ارتباط با اجتماع‌پذیری به عنوان یک مؤلفه اصلی، تنوع به عنوان یک شاخصه غیرعینی مطرح شده و از میزان حضور کودکان، بانوان و سالم‌خوردگان به عنوان یک معیار سنجش نام می‌برد (www.pps.org). از دیگر تحقیقات می‌توان Lerup (۱۹۷۳) و Van raaji (۱۹۸۳) را نام برد که یکی از ویژگی‌های موفق فضاهای عمومی را ویژگی‌های اجتماعی آن می‌دانند. Gehl در زمینه فضاهای عمومی مطالعات زیادی انجام داده است. وی در سال ۱۹۸۷ حمایت از فعالیت‌های اجتماعی را یکی از ملزومات دستیابی به فضاهای عمومی موفق دانسته و بهترین فرصت برای تعامل را یک فعالیت می‌داند. تحقیقات و تجارب جهانی صورت گرفته درباره فضاهای عمومی شهری نظیر گودمن (۱۹۸۶)، برمن (۱۹۸۶)، وازر (۱۹۸۶)، گلازر (۱۹۸۷)، فرانسیس (۱۹۸۹)، تیپانز (۱۹۹۲)، مدنی‌پور (۱۹۹۲)، سرکین (۱۹۹۲)، ورپول (۱۹۹۲)، کالسروپ (۱۹۹۳)، مدن (۱۹۹۳)، هیدن (۱۹۹۵)، ولفگانگ (۲۰۰۰)، راجرز (۲۰۰۳)، میرز (۲۰۰۳)، پاساگولاری (۲۰۰۴)، دراتلی (۲۰۰۴) بر این نکته اشاره دارند که فضاهای عمومی شهری باید مکانی برای تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی باشند (رفعیان، ۱۳۸۸). در ایران نیز با توجه به اهمیت این موضوع تحقیقات متعددی بر روی فضاهای عمومی صورت گرفته است. از جمله می‌توان به برخی پژوهش‌ها که ارتباط بیشتری با تحقیق دارد از جمله رفعیان (۱۳۸۴)، رهنمایی (۱۳۸۶)، کاشانی‌جو (۱۳۸۸)، رفعیان و خدایی (۱۳۸۸)، دانشپور و چرخچیان (۱۳۸۸) اشاره کرد.

مبانی نظری

فضای عمومی

فضای عمومی یک محل یا مکان باز و قابل‌دسترس

فضاهای عمومی و عوامل ارتقا و ایجاد آن پرداخته است. تحلیلی است چرا که نیازمند بررسی رابطه عوامل مختلف با اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی بوده و در بخش‌هایی از تحقیق از روش تحلیلی استفاده شده است. در بخش اصلی تحقیق یعنی مطالعه موردی از روش میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این روش پرسشنامه، مشاهده و حضور در فضاهای عمومی بوده است. پرسشنامه به نحوی تنظیم شده که در جهت سنجش معیارها و زیر معیارهای اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی و پاسخ به سؤالات و فرضیه پژوهش باشد. مشاهده و حضور در فضا نیز توسط پژوهشگر در چندین روز متداوم در ساعات مختلف روز و حضور در تمامی فضاهاست. تجزیه تحلیل داده‌ها از سه روش جداگانه صورت گرفته است. در ابتدا با استفاده از رویکرد کیفی داده‌هایی حاصل از مشاهده و حضور در فضا تحلیل شده است.

این تحلیل بر پایه تحلیل محتوا و توسط پژوهشگر صورت پذیرفت. آمار توصیفی و آمار استنباطی از دیگر روش‌های تحلیل داده‌ها در این پژوهش‌اند. در راستای تشریح آمار استنباطی تحقیق و با توجه به موضوع و حوزه آن، فرضیه‌های تحقیق از نوع فرضیه‌های رابطه‌ای فاقد جهت هستند. لذا برای آزمون فرضیه‌ها، از ضریب همبستگی و جداول رگرسیون خطی استفاده می‌شود. جهت تعیین همبستگی، از ضریب همبستگی پیرسون^۱ استفاده می‌شود. در نهایت براساس برداشت‌هایی که صورت گرفت برای طبقه‌بندی فضاهای عمومی دو محله و ناحیه با استفاده از روش امتیازدهی به فضاهای عمومی براساس معیارها علاوه بر مقایسه بین فضاها به تعیین طیفی از اجتماع‌پذیری در ۹ فضا پرداخته شد.

جهت امتیازدهی به هر فضا طیف یک تا نه براساس هر معیار و زیرمعیار آن تنظیم شده تا در نهایت میانگین همه معیارها برای هر فضا محاسبه شده و میزان اجتماع‌پذیری هر فضا در مقایسه با دیگر فضاها تعیین می‌شود. جامعه آماری در این تحقیق تمامی ساکنین محله‌های دبستان و سهروردی است. توزیع پرسشنامه‌ها در فضای ناحیه‌ای نیز در میان افرادی صورت می‌گیرد که ساکن این دو محله باشند. حجم نمونه در این پژوهش براساس جدول دواست در سطح اطمینان ۹۵ درصد با خطای نمونه‌گیری ۱۰ درصد ۱۰۰ نمونه انتخاب شده است. توزیع ۱۰۰ پرسشنامه در هر کدام از فضاها یعنی محله دبستان، محله سهروردی و فضای عمومی ناحیه‌ای ناحیه ۴ منظور است به این ترتیب ۳۰۰ پرسشنامه در کل توزیع می‌شود و حجم نمونه انتخابی در کل ۳۰۰ است. نمودار ۱ جنسیت پرسش‌شوندگان را نشان می‌دهد.

پیشینه تحقیق

تحقیق حاضر از دو مفهوم عمده اجتماع‌پذیری و فضای عمومی تشکیل شده که هر یک موضوع تحقیقات و پژوهش‌های متعددی بوده‌اند. در خصوص فضای عمومی تحقیقات بی‌شماری صورت گرفته که شمار بسیاری از این تحقیقات به بررسی ویژگی‌های

خیابان‌ها، میدانی، معابر عمومی، فضاهای باز، پارک‌ها، فضاهای تفریحی، بازارهای خیابانی و ... است که عموم مردم، با توجه به ویژگی‌های سنی و جنسی بتوانند به راحتی، در زمان‌ها و فصول مختلف سال به آن دسترسی داشته باشند، از قابلیت‌های اجرای فعالیت‌های متنوع (متناسب با فرهنگ جامعه از جمله برگزاری جشن‌ها یا مراسم عزاداری) برخوردار باشد، کاربری‌های متنوع، مختلط و مورد نیاز شهروندان با توجه به نیازهای آنها در این‌گونه فضاها استقرار یافته باشد، امکان تعاملات اجتماعی و روابط اجتماعی در آنها وجود داشته و کنترل آن توسط سازمان عمومی و اداره و تأمین آن در جهت منافع عمومی صورت پذیرد. دربرگیرنده معیارهایی همچون خوانایی (ادراک فضایی و بصری)، مقیاس انسانی، امنیت، انسان‌مداری و دارای تأسیسات و تجهیزات شهری متناسب با عملکرد فضا بوده و در نهایت از قوانین و هنجارهای رایج و موجود در جامعه تأثیر پذیرد (پرتوی، ۱۳۹۱: ۱۰).

در تبیین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فضاهای عمومی موفق، مطالعات و دیدگاه‌های فراوانی طی دهه‌های اخیر وجود دارد. از جمله می‌توان الدنبرگ (۱۹۹۹)، لراپ (۱۹۷۲)، گل (۱۹۸۷)، موسسه PPS (۲۰۰۰)، دفتر معاونت نخست‌وزیر انگلیس (ODPM, 2004)، ونراج (۱۹۸۳)، لنارد (۱۹۸۴) و ... اشاره کرد. با بررسی و واکاوی مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی که این پژوهشگران نقل کرده‌اند می‌توان فضای عمومی موفق را فضایی دانست که از مؤلفه‌هایی چون دسترسی، کالبد مناسب، منظر، تنوع فعالیت، جامعیت، امنیت، تعامل اجتماعی، اجتماع‌پذیری، آسایش و راحتی در حد متناسبی برخوردار باشد. وجود این عوامل در کنار یکدیگر می‌تواند یک فضای عمومی را موفق یا ناموفق سازد.

همان‌طور که از مقایسه آرای صاحب‌نظران برآمد یکی از عوامل مهم موفقیت فضاهای عمومی، اجتماع‌پذیری آنهاست. پژوهشگران اجتماع‌پذیری را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این‌گونه فضاها می‌دانند.

اجتماع‌پذیری

استفاده از واژه‌های اجتماع‌پذیر و اجتماع‌گریز بیانگر کیفیت‌های فضایی هستند که مردم را دور هم جمع می‌آورند یا از هم دور می‌کنند. این واژه‌ها را برای نخستین بار همفرد اسموند با همراهی رابرت سامر، زمانی که مدیریت بیمارستانی در کانادا را بر عهده داشت تعریف کردند (Osmand, 1957: 26). فرآیند اجتماع‌پذیری، با برقراری تعامل و ارتباط اجتماعی بین بهره‌برداران هر فضای عمومی و مشترک معماری قابل حصول است و قابلیت شرکت مؤثر در تعامل با دیگران، چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی عمومی و حرفه‌ای انسان‌ها، از اهمیت حیاتی برخوردار است (فرگاس، ۱۳۷۹: ۱۲).

وجود فضاهای عمومی دارای خصیصه اجتماع‌پذیری، مکمل مهمی در جهت اجتماعی‌شدن افراد است. علاوه بر این اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی موجب ارتقاء روحیه همبستگی، رشد فردی، ایجاد و

بهبود الگوهای رفتاری مناسب می‌شوند (مردمی، قمری، ۱۳۹۰: ۴۰). اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی بر پایه نیاز مردم به حس تعلق اجتماعی و تعامل با یکدیگر قرار داشته و این امر در یک فضای اجتماعی حمایت‌کننده در کنار تأمین آسایش فیزیولوژیکی (Lang, 1994)، ادعای قلمرو، حس مالکیت و دریافت عدالت در فضا، میسر خواهد بود (Alexander, 1968). تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می‌تواند یک موضوع فیزیکی، نگاه، مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانشپور، چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۲).

مکان‌های بیرونی که فرصت‌هایی را برای مردم به وجود می‌آورند تا دور هم جمع شده و گفتگو کنند می‌توانند مکان‌هایی جهت ملاقات شناخته شده و موجب عنای زندگی شهری شوند (Lowson, 2001: 142). فضای اجتماع‌پذیر را می‌توان فضایی سرزنده دانست که مردم داوطلبانه و با رغبت در آن حضوری همیشگی می‌یابند. برای این منظور جکوبز تنوع کاربری‌ها و فعالیت آنها در ساعات گوناگون را، برای ایجاد سرزندگی ضروری می‌داند (جکوبز، ۱۳۸۷). فضاهایی که حس آسایش را پروراند و موجب رونق ارتباطات شود. آسایش ناشی از تماس‌هایی که لذت‌بخش است و مایه خشنودی، تماس‌هایی که اشخاص را به عنوان افرادی از جامعه تأیید می‌کند (اپیلیارد، ۱۹۷۶). در آنجا مردم ساعت‌ها باهم حرف می‌زنند یا خداحافظی‌های طولانی دارند (Whyte, 1980: 3). جایی که مردم زمان خود را در آن گذرانده و به گفتن خواهش می‌کنم، متشکرم و ... با همسایگان خود و غریبه‌ها پردازند، جایی است که زندگی اجتماعی در آن جریان دارد (Truss, 2005). فضاهایی که موجب تشویق و ترغیب تعاملات اجتماعی می‌شوند (هال، ۱۹۸۲). مکانی است برای مکاشفه یا به عبارتی حیطة امکانات گوناگون و چهره‌به‌چهره شدن. جایی که انسان‌ها در آن به مبادله اندیشه و احساسات خود با یکدیگر می‌پردازند (شولتز، ۱۳۸۴). فضایی که در آن بتوانیم با هم‌شهری‌هایمان چهره به چهره دیدار و به طور مستقیم از راه حواسمان به تجربه‌اندوژی بپردازیم (گل، ۱۳۸۷). مکان‌هایی که دارای مقیاس انسانی بوده و امکان مشاهده افراد دیگر را فراهم می‌آورد (لنگ، ۱۳۸۴). کیفیت مردم‌پسند را تنها می‌توان از طریق آمیزه‌ای درست از کاربری‌ها و فعالیت‌ها به دست آورد (تیبادلز، ۱۳۸۷).

با توجه به مؤلفه‌هایی که توسط پژوهشگران و نظریه‌پردازان بیان شد می‌توان این‌طور تبیین کرد که فضایی اجتماع‌پذیر است که بتواند اجتماع مردمی را در کلیه ساعات شبانه‌روز به صورت طولانی‌مدت در خود داشته باشد به عبارت دیگر فضایی دعوت‌کننده باشد. این چنین فضایی در درجه اول امکان برخورد اجتماعی و نتیجتاً ارتباط و تعاملات اجتماعی را به همراه دارد، مشاهده افراد، گفتگو و ... در طول این رابطه به وجود می‌آید. این فضا زمینه‌ساز تجربه‌اندوژی، مبادله احساس و اندیشه و ... است.

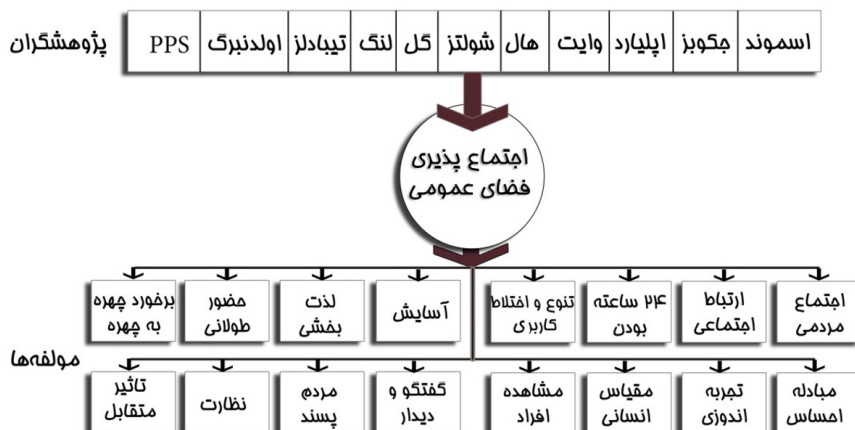
فضایی که با استفاده از نظارت مردمی کنترل شده و به گونه‌ای مردم‌پسند است.

وایت بر ضرورت وجود فضاهای عمومی باکیفیت برای تسهیل تعاملات اجتماعی و حضور مدنی مردم، تأکید کرده و خود را مسئول خلق مکان‌های کالبدی می‌داند که مشارکت و تعاملات اجتماعی را تسهیل کند. او بر این باور است که زندگی اجتماعی در فضاهای عمومی اساساً به بهبود کیفیت زندگی افراد و جامعه کمک می‌کند. همچنین در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده که فضاهای عمومی مکان‌های ایده‌آلی برای آغاز آشنایی‌ها نبوده و حتی در اجتماعی‌ترین آنها آمیختگی زیادی میان مردم دیده نمی‌شود. اما با این وجود حضور همزمان مردم در زمان و مکان می‌تواند فرصت‌هایی را برای تعاملات اجتماعی فراهم آورد (به نقل از کارمونا، ۱۳۹۰). لنگ (۱۳۸۴) برای توضیح مطلوبیت تعامل اجتماعی دلایل زیادی دارد. اصلی‌ترین دلیل این است که رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوند و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است. دلیل دیگر این است که فعالیت‌هایی چون تعامل با دیگران و مشاهده فعالیت‌های مردم با ایجاد زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری به رشد فردی انسان کمک می‌کند. از طرفی در محیط‌هایی که تعامل اجتماعی قابل‌توجهی بین ساکنین وجود دارد، میزان جرم و جنایت پایین است. شاید به این دلیل که وظایف و التزامات اجتماعی روشن‌تر، حمایت مردم از یکدیگر بیشتر و از خود بیگانگی کمتر است.

فضاهای عمومی امکان ملاقات افراد را فراهم می‌آورند. برای این ملاقات واسطه‌های مورد نیاز این واسطه‌ها ممکن است افرادی باشند که دیگران را گرد هم آورده یا فعالیتی مشترک و موضوعی باشد که شرایط اجتماعی را فراهم می‌آورد. چنین فضاهایی اگر برای مردم فعالیت‌های سرگرم‌کننده داشته و در آنها مواد خوراکی و فضاهای ایمن و لذت‌بخشی وجود داشته باشد، آنها را به سوی خود جذب می‌کند. فرصت‌های دیدار و ملاقات با دیگران پیش‌نیاز ترویج روابط متقابل اجتماعی غیررسمی و پیش‌بینی نشده‌اند. در این زمینه لنگ

برای همه شهروندان، بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد، قومیت، سن یا سطح اجتماعی و اقتصادی است (Efroymson, et al, 2009: 16 & Kurniawati, 2012: 477). فضای عمومی به عنوان فضایی در دسترس همه گروه‌ها، ارایه‌دهنده آزادی عمل، مالکیت و حق موقت، تعریف می‌شود (Francis, et al, 2012: 402). این فضاها، مکان‌هایی هستند که شهروندان و بازدیدکنندگان می‌توانند همچون یکدیگر و با محدودیتی کمتر نسبت به دیگر فضاها، وارد آن شوند (آریگی، گراهام، ۱۹۹۷ : ۱۰ به نقل از پرتوی، ۱۳۹۱: ۴). علاوه بر این بسیاری از اتفاقات خود به خودی و نه از قبل برنامه‌ریزی شده در آن روی می‌دهد، مردم با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، حرکت می‌کنند، می‌نشینند یا به تماشای دیگران می‌پردازند (Efroymson, et al, 2009: 16). این فضاها محل تبادل افکار و اطلاعات و مکانی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی هستند (دانشپور، چرخچیان، ۱۳۸۶ : ۲۰). فضاهای عمومی بدون پرداخت هزینه ورودی، بدون فرم یا لباس خاصی است (Efroymson, et al, 2009: 16 & Kurniawati, 2012: 477). استفاده‌کنندگان از این فضاها شگفتی و لذت غیرمنتظره‌ای را تجربه می‌کنند : بازی کردن کودکان، قدم‌زدن جوانان، گفتگوی افراد مسن، استراحت کردن افراد خسته. هیچ تمایز روشنی بین ناظران و مشاهده‌کنندگان وجود ندارد. همه آنها در صحنه و بخشی از مخاطبان هستند (Efroymson, et al, 2009: 16)، همچنین این فضاها توسط یک سازمان عمومی در خدمت منافع عموم تأمین و اداره می‌شود (Garcia-Ramon, 2004: 2). این فضاها مشتمل بر خیابان‌ها، معابر، میدان‌ها، پلازاها، پارک‌ها، زمین‌های بازی، سیتی‌هال‌ها، مال‌ها، سواحل و کناره‌ها و سایر فرم‌های فضاهای تجمع هستند (Car, 1992; Lang, 1994; Douglass, 2003). به نقل از چرخچیان، ۱۳۸۸؛ (تصویر ۱).

با توجه به هدف تحقیق می‌توان تعریف عملیاتی از فضای عمومی ارایه داد : فضای عمومی شامل محیط طبیعی و مصنوع مانند



تصویر ۱. عوامل مؤثر بر اجتماع پذیری در فضای عمومی. مأخذ : نگارندگان.

Fig.1. Factors affecting sociability in public spaces. Source: authors.

باشند؛ به این معنا که طراحی و مدیریت فضا به گونه‌ای باشد که نیازهای استفاده‌کنندگان را برآورده سازد.

آنها نیازهایی را که انسان به دنبال برآوردن آنها در فضاهای عمومی شهری‌اند شناسایی می‌کنند. آسایش، راحتی، مشارکت فعال و غیرفعال و اکتشاف. مکان‌های خوب و مردم اغلب بیش از یکی از این توقعات را برآورده می‌کند (به نقل از Kurniawati, 2012: 477 و Carmona, et al, 2003: 165).

مؤسسه PPS^۲ که در سال ۱۹۷۵ باهدف ایجاد حرکت جهانی به منظور ساخت مکان‌هایی مردمی ایجاد شد در مطالعات خود بر روی بیش از ۱۰۰۰ مورد فضای عمومی در نقاط مختلف دنیا یکی از مهم‌ترین ابعاد و ویژگی‌های فضاهای عمومی را اجتماع‌پذیری آنها می‌داند. اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی با میزان حضور گروه‌های مختلف اجتماعی، وجود شبکه‌های اجتماعی و زندگی فعال در ساعات مختلف شبانه‌روز قابل ارزیابی است و شاخص‌های آن به این شرح است: انتخاب مکان برای ملاقات با دوستان، حضور افراد به صورت گروهی، استفاده منظم از فضا، میزان تعاملات کلامی افراد با یکدیگر، روحیه مردم در فضا، شناختن یکدیگر، معرفی و توصیه مکان به سایرین، میزان تماس چشمی، وجود گروه‌های مختلف سنی و قومی، تمایل افراد در حفاظت داوطلبانه از مکان (PPS.org).

عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری در فضای عمومی

تعامل اجتماعی: تفریح و سرگرمی در میان نیازهای اساسی انسان تعریف می‌شود که شامل استراحت، معاشرت و حضورنشر^۴ است. این نیازهای مختلف با تعامل در فضا می‌تواند برطرف شود (Efroymson, et al, 2009: 31). لذا تعامل اجتماعی یکی از نیازهای انسان به حساب می‌آید. تعامل اجتماعی در گروهی فضایی اجتماع‌پذیر است تا بتواند این نیاز را پوشش دهد.

دو نوع کلی از تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شناخته‌شده: تعامل اجتماعی تصادفی، مانند فرصت‌های گفتگو در کوچه و خیابان و تعاملات اجتماعی سازمان‌یافته. برای مثال جشنی در پارک. فرصت برای تعامل تصادفی یکی از جنبه‌های بارز فضاهای عمومی است. تعامل اجتماعی تصادفی به دو نوع تقسیم می‌شود: تعامل روزمره (عادی) و تعامل ناگهانی (Dines, et al, 2006: 15). عوامل ایجادکننده تعاملات اجتماعی در فضاهای اجتماعی (Dines, et al, 2006: 18):

نزدیکی یا مجاورت^۵: برای همه گروه‌های سنی تعریف نمی‌شود. دوام^۶: استفاده طولانی‌مدت یا اقامت طولانی، تداوم فضای عمومی. آشنایی^۷: حس الفت با محیط اطراف.

آزادی جهت درنگ کردن: درحالی‌که استفاده از فضای عمومی ممکن است شامل یک فعالیت خاص مانند خرید باشد آگاهی از استفاده از آن فضا و ورود به فضا بدون دلیل خاصی است. اغلب با تکیه بر استفاده از یک فضا بدون دلیل خاص.

تسهیلات^۸: وجود امکانات و تسهیلات در فضا تأثیر مستقیم بر

کمیت فضایی محیط ساخته‌شده را در ایجاد این فضاها مؤثر می‌داند. لنگ (۱۳۸۴) مجاورت مکانی را یکی از زمینه‌های ایجاد تعامل دانسته و معتقد است وقتی زمینه‌های تعامل براساس مجاورت مکانی به وجود می‌آید که به کمک متقابل نیاز باشد یا مسئله‌ای مشترک وجود داشته باشد. او خصوصاً مجاورت مکانی را عامل مهمی در شکل‌گیری الگوهای تعامل افراد مسن، دانسته است. به این دلیل که با کاهش توانایی جسمانی نیاز به کمک متقابل افزایش می‌یابد.

گل معتقد است از طریق طراحی محیط کالبدی می‌توان بر تعداد وقایع و تعداد مردمی که از فضاهای عمومی استفاده می‌کنند، مدت زمانی که یک فعالیت طول می‌کشد و نیز نوع فعالیت تأثیر گذاشت. به اعتقاد وی آفرینش فعالیت‌ها در فضاهای همگانی تحت تأثیر برخی عوامل قرار دارد که محیط مصنوعی یکی از آنهاست. همچنین اشاره می‌کند که چارچوب فیزیکی تأثیر مستقیم بر کیفیت، محتوا و شدت ارتباطات اجتماعی ندارد. اما برنامه‌ریزان و طراحان می‌توانند بر امکان ملاقات، دیدن و شنیدن تأثیرگذارند، که این خود پیش‌زمینه‌ای برای دیگر اشکال ارتباط فراهم می‌آورد. علاوه بر اهمیت تعداد مردم و فعالیت‌ها در رویدادهای واقع در یک فضا و اهمیت تداوم فعالیت‌ها، مدت زمان بودن در فضا برای هر فرد نیز مهم است. تنها ایجاد فضاهایی که مردم بیایند و بروند کافی نیست، بلکه باید شرایط مطلوب برای پرسه‌زدن و درنگ کردن در فضا نیز وجود داشته باشد. اینجاست که کیفیت تک‌تک بخش‌های محیط بیرونی دارای اهمیت شده و طراحی یک‌یک فضاها و جزئیات و کوچک‌ترین مؤلفه‌ها، فاکتورهایی تعیین‌کننده در این زمینه‌اند. به اعتقاد گل تعدادی از فعالیت‌ها می‌تواند به عنوان فعالیت‌های پایه در فضاهای عمومی در نظر گرفته شود که از سوی افراد به عنوان زمینه‌سازی مهم برای سایر فعالیت‌ها اعمال می‌شود. این فعالیت‌ها شامل راه‌رفتن، ایستادن، نشستن، دیدن، شنیدن، گفتگو هستند که برای انجام هر یک آنها، محیط باید دارای شرایط خاصی باشد و در واقع باید حالت دعوت‌کنندگی داشته باشد. گل در این زمینه به سه کیفیت در فضاهای عمومی اشاره می‌کند که به ترتیب عبارتند از (Gehl, 2002): حفاظت، راحتی، لذت‌بردن. فضاهای شهری مطلوب فرصت‌های شنیدن، دیدن و صحبت کردن را نیز برای مردم فراهم می‌آورند. همچنین گل به این نکته اشاره می‌کند که فضاهای شهری خوب تنوعی از فعالیت‌ها و تجربیات را برای گروه‌های مختلف استفاده‌کنندگان فراهم می‌کند. مکث در فضاهای شهری و تجربه آن و استفاده فعال و غیرفعال از فضا هر دو جزء نکات مهم‌اند.

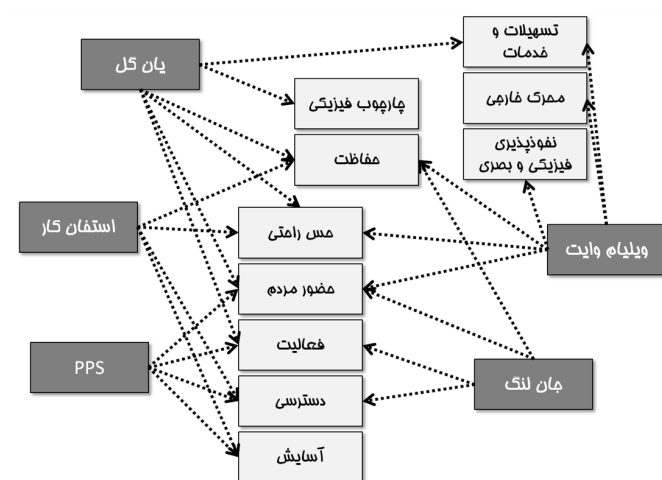
کار این‌چنین استدلال می‌کند که عرصه‌های عمومی به همان اندازه که باید معنادار و دموکراتیک باشد (تا مردم بتوانند با مکان، زندگی شخصی خود و جهان بزرگ‌تر رابطه قوی برقرار ساخته و نیز حقوق همه گروه‌ها در آن رعایت شود، برای همگان قابل دسترس باشد و آزادی عمل همه را فراهم آورد)، لازم است پاسخ‌ده هم

وقوع رفتارها و فعالیت‌های مختلفی اعم از فردی و گروهی اند، ایجاد زمینه لازم برای حضور افراد از قشرها و گروه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند امکان فعالیت و وقوع رفتارهای متنوع در محیط‌های شهری را فراهم می‌سازد.

در واقع حضور مردم در یک مکان به اعتقاد گل (۱۳۸۷) رابطه مستقیمی با فعالیت‌های مردم و کیفیت مکان برای وقوع این فعالیت‌ها دارد. در تعریف کلی، فعالیت‌ها در فضاهای همگانی بیرونی در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند.

به گونه‌ای که هر مکانی با خواسته‌های متفاوت در یک محیط کالبدی، دربرگیرنده این فعالیت‌ها خواهد بود. این فعالیت‌ها عبارتند از (گل، ۱۳۸۷ : ۳) : فعالیت‌های ضروری، انتخابی و اجتماعی. در مجموع اگر تطبیقی بین مؤلفه‌های بیان شده در اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی صورت گیرد به تصویر ۲ دست می‌یابیم. ملاحظه می‌شود که مؤلفه‌های حضور مردم، حفاظت، فعالیت، دسترسی، حس راحتی، تسهیلات و خدمات از مؤلفه‌های مورد تأکید بین پژوهشگران بوده است.

جهت تدوین مدل مفهومی پژوهش پس از بررسی تعاریف و مفاهیم، بررسی آرای نظریه‌پردازان و پژوهشگران و تجارب جهانی پیرامون اجتماع‌پذیری فضای عمومی، معیارها و زیرمعیارهایی از آنها اتخاذ شده است. این معیارها و زیرمعیارها با یکدیگر تطبیق داده شده و اشتراکات به عنوان معیارها و زیرمعیارهای این پژوهش انتخاب شده‌اند. ابعاد اجتماع‌پذیری فضای عمومی در سه بعد کالبدی، اجتماعی و فعالیتی در این پژوهش تقسیم‌بندی شده است. هر کدام از این ابعاد معیارهایی دارد و هر معیار یک تا چند زیرمعیار را داراست. رابطه ابعاد، مؤلفه‌ها، معیارها و زیرمعیارها به صورت سلسله‌مراتبی است. ابعاد، مؤلفه‌ها، معیارها، و زیرمعیارها ابتدا در جدول ۱ آمده است.



تصویر ۲. جمع‌بندی نظریات پیرامون عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضای عمومی. مأخذ: نگارندگان.

Fig. 2. Summary of the theories on the factors affecting sociability in public spaces. Source: Authors

نشأت اجتماعی فضاهای عمومی دارد. کمبود امکانات گاهی اوقات می‌تواند تعاملات مردم را محدود کند.

ویژگی‌های فیزیکی تجهیزکننده (حمایتی)؛ طرح‌های فیزیکی فضا و محیط‌های ساخته‌شده اطراف از ویژگی‌های مهم شمرده می‌شود. تسهیلات و خدمات : تسهیلات و خدمات به فضایی راحت جهت استفاده مردم، وجود عناصری چون نیمکت‌ها، لبه‌ها، کیوسک‌های چندمنظوره، سطل زباله، سرویس‌ها، نورپردازی مؤثر نشانه‌گذاری و تعریف مسیرها و ورودی‌ها که می‌تواند زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی باشد اشاره دارد چرا که تنها خروج از خانه کافی نیست بلکه نگه‌داشتن آنها بیرون خانه نیز حایز اهمیت است. امکان پیاده‌روی مستلزم امکان مکث در فضا است که لازمه آن تأمین خدمات و تسهیلات مذکور است (Loukait, et al, 1998).

دسترسی : دعوت‌کننده بودن فضاهای عمومی و دسترسی آسان به این فضاها بر حضور مردم در فضا تأثیر بسزایی دارد. دسترسی به فضاهای عمومی به معنای پذیرا بودن حضور اجتماعی افراد در خود است (Carr, 1982). در دسترس بودن فضاهای عمومی بر مبنای مطالعات موجود حاکی از آن است که این امر دارای سه بعد کالبدی، بصری و اجتماعی است (Ibid). دسترسی کالبدی، ناظر به دسترسی پیاده، هم‌جواری‌ها، دسترسی به حمل‌ونقل شهری و نحوه ارتباط با زمینه مکان است (Van raaji, 1983). و دسترسی بصری امکان اجتناب از جرم یا فعالیت‌های نامطلوب را به ویژه در زنان و کودکان فراهم می‌کند. دسترسی اجتماعی یا ذهنی و اینکه مکان چگونه و برای چه کسی باید در دسترس باشد نیز به نحوه مالکیت مکان، در دسترس بودن آن برای گروه‌های خاص با نیازهای خاص مثل کودکان، سالخورده‌گان و معلولین وجود نماها در ایجاد حس مالکیت نمادین و دسترسی روانی گروه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد (Carr, et al, 1992). این بعد تضمین‌کننده امکان دسترسی گروه‌های مختلف فرهنگی- اجتماعی در بستری دموکراتیک است که در برخی موارد بیشتر جنبه روان‌شناختی دارد تا کالبدی (به نقل از دانشپور، ۱۳۸۸ : ۸۳).

حرکت : تأکید بر حرکت پیاده در اجتماع‌پذیری فضای عمومی عامل مهمی به شمار می‌رود. حذف حرکت پیاده گامی ویرانگر در تجربه انسانی شهر است. شهر پیاده ویژگی خیلی مهمی برای عرضه دارد که مزایای شهر سواره را کم‌رنگ می‌کند و آن محیط فیزیکی حیات‌بخش از نظر روانی است. هیجان بصری لذت از حرکت فیزیکی، تجربه حیات پویای شهری و تحریک حسی از فضای شهری (که از انواع مختلف مردم و از هر سنی مملو است) تجاربی هستند که در شهر سواره وجود ندارند (Salingaros, 2006). در روابط اجتماعی نیز به طور حتم برای داشتن روابط اجتماعی با معنا باید افراد در حالت نشسته باشند یا ایستاده یا قدم‌زنان. بنابراین می‌توان اهمیت توجه به حرکت پیاده در شهر را برای داشتن تجربه‌های معنادار و برقراری رابطه و دریافت اطلاعات درک کرد. فعالیت بیرونی : با توجه به این موضوع که فضاهای عمومی محل

جدول ۱. ابعاد، مؤلفه‌ها، معیارها، زیر معیارهای پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

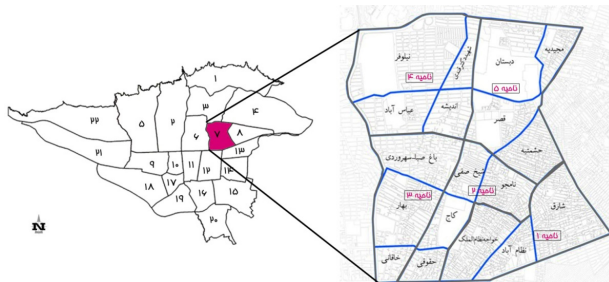
Table 1. dimensions, components, criteria, sub-criteria of research. Source: authors.

ابعاد	مؤلفه	معیار	زیرمعیار	نحوه سنجش	
کالبدی	دسترسی	دسترسی کالبدی مناسب	دسترسی پیاده	حضور در فضا	
			دسترسی به حمل و نقل پیاده	حضور در فضا	
			نحوه ارتباط فیزیکی	حضور در فضا	
	راحتی	راحتی فیزیکی	دسترسی بصری	نظارت اجتماعی	پرسشنامه
			راحتی در انجام فعالیت‌های پایه: راه رفتن، نشستن، ایستادن، توقف کردن، دیدن و تماشا کردن، گفت و شنود	پرسشنامه	
	حفاظت	حفاظت اقلیمی	حفاظت در مقابل وضعیت جوی	حضور در فضا	
			حفاظت ایمنی	حضور در فضا	
	تسهیلات	تسهیلات و خدمات کافی	نیمکت، لبه، کیوسک و ...	حضور در فضا	
	حرکت	امکان حرکت	حرکت پیاده	حضور در فضا	
	چارچوب فیزیکی	کیفیت زیبایی	وجود عناصر زیبایی‌شناسی در محیط	حضور در فضا	
	انعطاف‌پذیری	فضاهای انعطاف‌پذیر	انعطاف‌پذیری در انجام فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده و نشده	حضور در فضا	
	اجتماعی	تعاملات اجتماعی	امکان تعاملات اجتماعی تصادفی	تعامل اجتماعی روزمره	پرسشنامه
تعامل اجتماعی ناگهانی				پرسشنامه	
امکان تعاملات اجتماعی سازمان‌یافته			تعامل اجتماعی سازمان‌یافته	پرسشنامه	
			تعامل اجتماعی خود سازمان‌یافته	پرسشنامه	
دسترسی		دسترسی اجتماعی	دسترسی همه گروه‌های سنی به فضا	حضور در فضا	
فعالیتی	فعالیت بیرونی	وجود فعالیت انتخابی	قدم زدن	پرسشنامه	
			مطالعه	پرسشنامه	
	فعالیت	هنر همگانی	وجود فعالیت اجتماعی	تماشا کردن	پرسشنامه
				گفت و شنود	پرسشنامه
			وجود موسیقی زنده	حضور در فضا	
فعالیت جانبی	فعالیت جانبی	نقاشی در فضا	حضور در فضا		
		وجود رستوران‌ها و کافه‌ها	حضور در فضا		
			فروش صنایع دستی	حضور در فضا	

شناخت و تحلیل

این فضا امکان پذیر است. فاصله تقریبی بین پارک اندیشه و محله سهروردی به طور متوسط در حدود یک و نیم کیلومتر بوده، ساکنین این محله با وجود فاصله میان محل سکونتشان و پارک اندیشه از رفتن به این فضا اجتناب نمی کنند. (نقشه ۳و۲)؛ (جدول ۲)؛ (نقشه ۴).

در جهت سنجش مدل مفهومی ساخته شده برای ارتقاء اجتماع پذیری فضاهای عمومی، بخشی از شهر تهران شامل منطقه ۷ تقسیمات شهری انتخاب شده است. این محدوده در دو محله دبستان و سهروردی و ناحیه ۴ قرار دارد. در محله دبستان، ۴ بوستان به مساحت ۵۷۸۵ وجود دارد. در محله سهروردی، ۴ بوستان به مساحت ۶۵۲۶ مترمربع وجود دارد. پارک اندیشه به مساحت ۴۱۱۰۵ مترمربع در شمال منطقه هفت و در شرق ناحیه ۴ قرار دارد. (نقشه ۱). پارک اندیشه از شمال به خیابان شهید قندی، از شرق به خیابان دکتر علی شریعتی و از جنوب به خیابان توپچی محدود می شود. محله دبستان در مجاورت پارک اندیشه قرار دارد. دسترسی از محله دبستان به پارک اندیشه به صورت پیاده و دوچرخه به راحتی امکان پذیر است. محله سهروردی در جنوب پارک اندیشه و با فاصله از آن است. دسترسی اصلی به این فضا از طریق خیابان شریعتی و خیابان سهروردی است. همچنین دسترسی از طریق خیابان های محلی هم به راحتی به



نقشه ۱. منطقه هفت. مأخذ: شهرداری منطقه ۷، ۱۳۹۲.

Map 1. District seven of municipality. Source: Courtesy of the municipality district 7, 2014.

نقشه ۲. فضاهای عمومی محله سهروردی. مأخذ: برگرفته از شهرداری منطقه ۷، ۱۳۹۲.



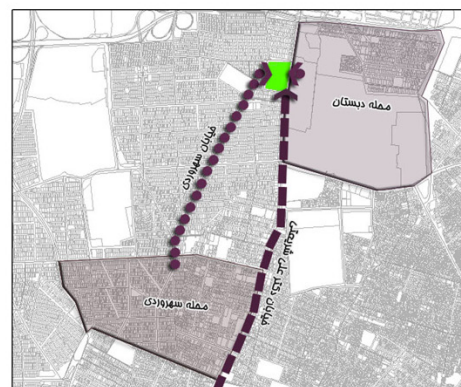
Map 2. Suhrevardi neighborhood public spaces. Source: Courtesy of the municipality district 7, 2014.

نقشه ۳. فضاهای عمومی محله دبستان. مأخذ: برگرفته از شهرداری منطقه ۷، ۱۳۹۲.



Map 3. Dabestan neighborhood public spaces. Source: Courtesy of the municipality district 7, 2014.



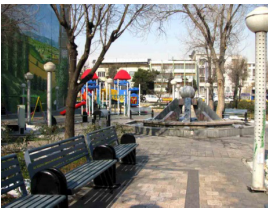






نقشه ۴. موقعیت پارک اندیشه و نمونه های انتخابی. مأخذ: نگارندگان.



Map 4. Location of the Andisheh Park and selected examples. Source: Authors.

جدول ۲. معرفی فضاهای عمومی مورد بررسی. مأخذ: نگارندگان.

Table 2. Introduction of public spaces in the case study. Source: authors.

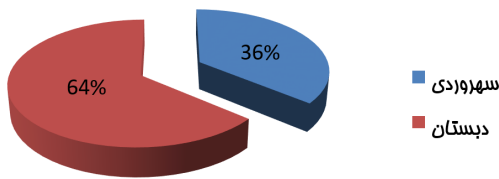
شرح	فضای عمومی	تصویر	فضای عمومی	تصویر
محله دبستان	درختی		پرنیان	
	مساحت ۱۸۹۸		مساحت ۹۴۹	
محله سهروردی	صنوبر		زنابق	
	مساحت ۱۸۳۶		مساحت ۳۲۳	
محله سهروردی	مادر		آوینی	
	مساحت ۹۱۵		مساحت ۲۴۸۰	
محله سهروردی	یوسفیان		نارنج	
	مساحت ۳۲۱		مساحت ۴۰۰	
پارک اندیشه	مساحت ۴۱۱۰۵			

بعد کالبدی

بعد کالبدی شامل هفت معیار است که جهت سنجش هر معیار زیرمعیارهایی در نظر گرفته شده و جهت تحلیل آنها از سه روش کیفی، آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. نتایج هر معیار به صورت جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نمودار ۳ نتایج را در هر معیار به صورت مقایسه‌ای مابین فضاهای مورد پژوهش نشان می‌دهد. پارک اندیشه در هر معیار بالاترین درصد را به خود اختصاص داده است، دسترسی مناسب، تسهیلات و امکانات

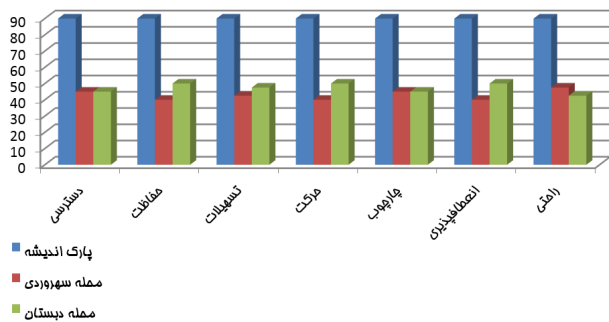
کافی، انعطاف‌پذیری بالا، راحتی و ... موجب شده که این فضا نسبت به هشت فضای دیگر در جایگاه بالاتر و جاذب جمعیت از هر دو محله باشد. فضاهای عمومی محله‌ای نسبت به یکدیگر برتری قابل مشاهده‌ای نداشته و امتیاز پایینی را نسبت به پارک اندیشه به خود اختصاص داده‌اند (نمودار ۲).

نکته جالب توجه در این بعد معیار دسترسی به فضا است که در ابتدا تصور می‌شد استفاده‌کنندگان از پارک اندیشه از ساکنین محله‌های اطراف باشند. با بررسی که بر روی ساکنین محله سهروردی صورت

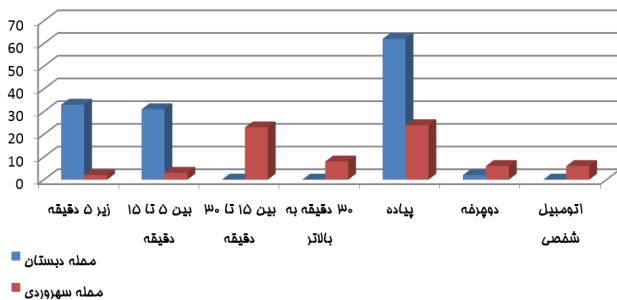


نمودار ۲. پرسش شوندهگان در پارک اندیشه. مأخذ: نگارندگان.

Diagram 2. Respondents in Andisheh Park. Source: authors.

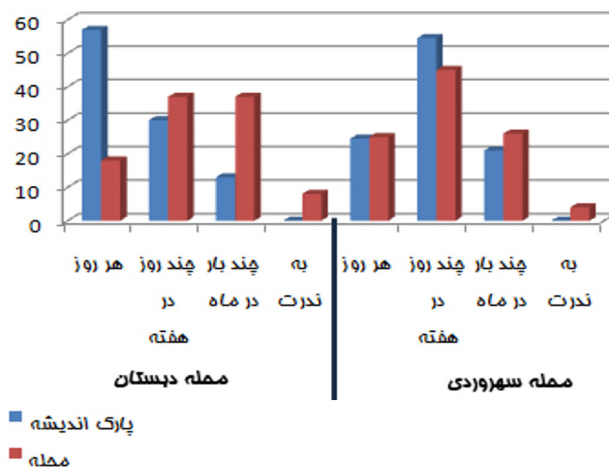


نمودار ۳. مقایسه معیارهای بعد کالبدی در فضاهای مورد بررسی. مأخذ: نگارندگان.
Diagram 3. Comparison of physical dimension criteria in spaces of the case study spaces. -Source: authors.



نمودار ۴. مقایسه نحوه مراجعه به پارک اندیشه. مأخذ: نگارندگان.

Diagram 4. Comparison of frequency of visiting Andisheh Park. Source: authors.



نمودار ۵. مقایسه میزان استفاده از پارک اندیشه. مأخذ: نگارندگان.

Diagram 5. Comparison of using rate of Andisheh Park. Source: authors.

گرفت مشاهده شد که مسافت نسبت به پارک اندیشه (فضای اجتماع‌پذیرتر) موجب نشده که افراد از رفتن به این فضا صرف‌نظر کنند. با وجود فاصله، افراد با دوچرخه، اتومبیل شخصی و پیاده در این فضا حضور به هم می‌رسانند. این امر علاوه بر اینکه بر جذابیت و اجتماع‌پذیری پارک اندیشه صحنه می‌گذارد بر خاموشی فضاهای عمومی محلات نیز اشاره می‌کند. نتایج مقایسه‌ای مابین نحوه مراجعه به پارک اندیشه مابین ساکنین دو محله در نمودار ۴ آمده است. همان‌طور که در نمودار ۵ مشاهده می‌شود میزان استفاده از پارک اندیشه توسط استفاده‌کنندگان در دو محله در مقایسه با یکدیگر قرار گرفته است. به دلیل مجاورت ساکنین محله دبستان با پارک اندیشه میزان مراجعه هر روزه آنها به این فضا به مراتب بیشتر از ساکنین محله سهروردی است. با وجود تفاوت در میزان استفاده هر روزه از پارک اندیشه این درصد در محله سهروردی با میزان استفاده از فضای محلی برابری می‌کند. به این معنی که استفاده ساکنین محله سهروردی از فضاهای عمومی موجود در سطح محله‌شان با میزان مراجعه آنها به پارک اندیشه تقریباً به یک میزان است. این امر نشان می‌دهد که بعد فاصله در استفاده از پارک اندیشه چندان تأثیرگذار نبوده و تأثیر آن بیشتر بر شدت استفاده هر روزه ساکنین سهروردی است. به طور کلی می‌توان این‌گونه عنوان کرد که موفقیت پارک اندیشه به دلیل استفاده ساکنین اطراف آن نیست، بلکه ساکنین محلات دیگر از جمله سهروردی با وجود فاصله نسبی در این فضا حضور می‌یابند.

بعد اجتماعی

جهت بررسی بعد اجتماعی پنج معیار به طور جداگانه در نظر گرفته شده که در این بعد نیز تحلیل کیفی، آمار توصیفی و استنباطی جهت سنجش هر معیار به کار گرفته شده است. نتایج به تفکیک هر معیار در نمودار ۶ آمده است. براساس این معیارها پارک اندیشه از دیگر فضاها اجتماع‌پذیرتر است. این فضا با توجه به معیارهای مطرح شده مزایایی مانند وجود آرامش نسبی در فضا، حضور پررنگ افراد در فضا، امنیت، استفاده همه گروه‌های سنی و جنسی و ... نسبت به دیگر فضاها دارد که توانسته است موجب حضور افراد در ساعات مختلف روز باشد. تعاملات اجتماعی که عامل مهمی است به موجب این حضور حاصل شده است به نحوی دیگر می‌توان گفت تعاملات اجتماعی خود موجب اجتماع‌پذیری بیشتر فضا می‌شود.

بعد فعالیتی

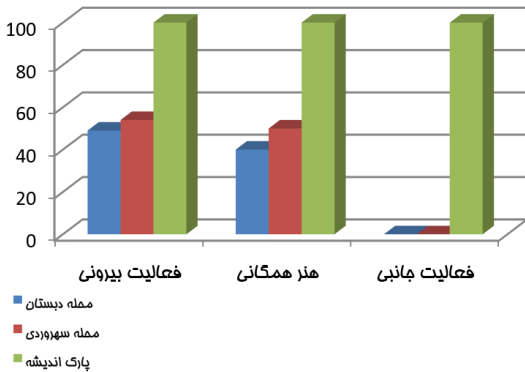
جهت سنجش بعد فعالیتی دو معیار در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از آزمون در نمودار ۷ به صورت مقایسه‌ای نشان داده شده است. در قالب این بعد می‌توان به صراحت اظهار داشت که فضاهای عمومی محلی بعد فعالیتی ضعیفی دارند و پارک اندیشه با وجود داشتن کاربری‌هایی چون کافی‌شاپ، رستوران، دکه‌های اغذیه‌فروشی و ... موجب کشش بیشتر افراد به فضا و در نتیجه

اجتماع پذیری بیشتر آن شده است.

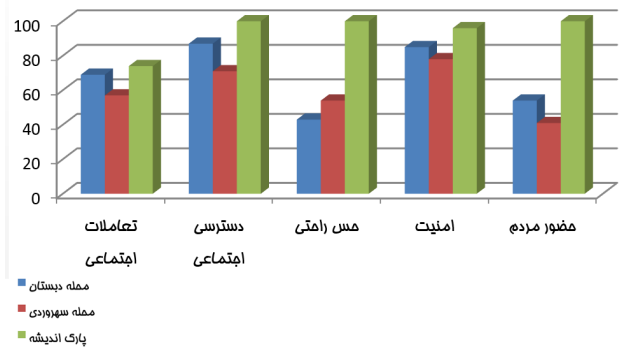
جذب افراد است. پارک اندیشه با وجود خدمات و تسهیلات و جذابیت‌هایی که دارد به عنوان فضایی موفق عمل کرده و از اجتماع پذیری بالایی نیز برخوردار است. باید توجه داشت که استفاده ساکنین محلات از فضاهای عمومی محلی‌شان به دلیل جذابیت این فضاها نیست، بلکه نبود فضایی دیگر یا نزدیکی این فضاها به محل سکونت، آنها را مجبور به استفاده می‌کند.

تحلیل مقایسه‌ای فضاهای عمومی در دو مقیاس

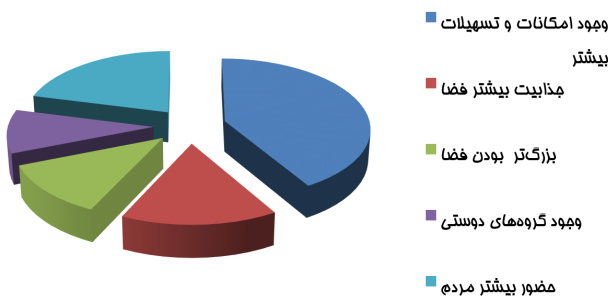
طی مطالعاتی که صورت گرفت می‌توان به نتایجی از این دست نیز اشاره کرد. دلیل انتخاب فضای عمومی محلی به دلیل نبود فضایی دیگر و عدم وجود گزینه‌های دیگر برای ساکنین محلات و دلیل انتخاب پارک اندیشه به دلیل موفق بودن این فضا در



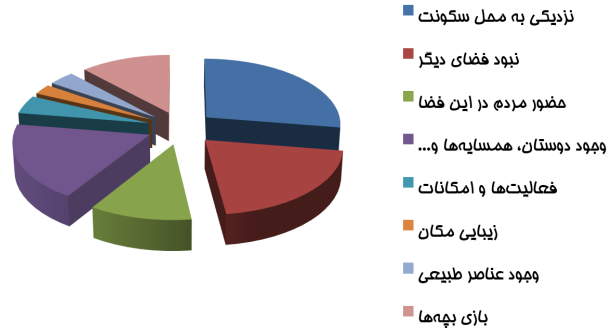
نمودار ۷. مقایسه معیارهای بعد فعالیتی در فضاهای مورد بررسی. مأخذ: نگارندگان.
Diagram 7. Comparison of the activity dimension criteria of the case study spaces. Source: authors.



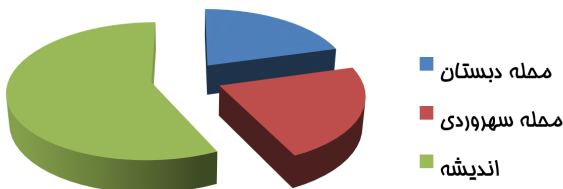
نمودار ۶. مقایسه معیارهای بعد اجتماعی در فضاهای مورد بررسی. مأخذ: نگارندگان.
Diagram 6. Comparison of social dimension criteria in the spaces of the case study spaces. Source: authors.



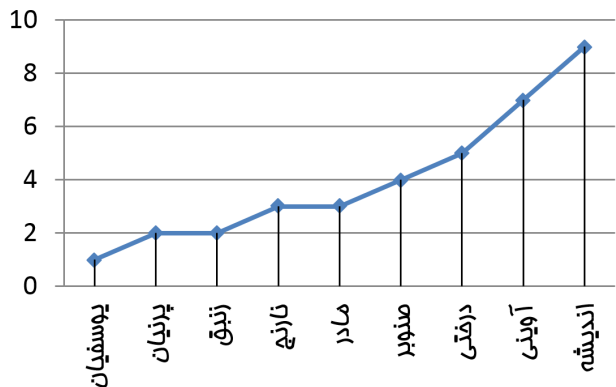
نمودار ۹. دلایل انتخاب پارک اندیشه. مأخذ: نگارندگان.
Diagram 9. Reasons for choosing Andisheh Park. Source: authors.



نمودار ۸. دلایل انتخاب فضای عمومی محلی. مأخذ: نگارندگان.
Diagram 8. Reasons for choosing a neighborhood public space. Source: authors.



نمودار ۱۱. مقایسه اجتماع پذیری در فضاهای مورد بررسی. مأخذ: نگارندگان.
Diagram 11. Comparison of sociability in case study spaces. Source: authors.



نمودار ۱۰. مقایسه اجتماع پذیری در فضاهای مورد بررسی. مأخذ: نگارندگان.
Diagram 10. Comparison of sociability in case study spaces. Source: authors.

امتیازدهی به فضاهای عمومی

براساس امتیازهایی^{۱۰} که فضاهای عمومی برداشت شده براساس معیارها اتخاذ کردند اجتماع پذیرترین فضا پارک اندیشه است. ویژگی‌هایی که این فضا دارد توانسته است برتری نسبی جهت اجتماع پذیری داشته باشد. میزان اجتماع پذیری دیگر فضاها نیز

نسبت به یکدیگر بررسی شده است. نمودار ۱۰ نشان دهنده نتایج اجتماع پذیری ۹ فضا است. همان طور که در نمودار ۱۱ مشاهده می‌شود میزان اجتماع پذیری فضای ناحیه‌ای یعنی پارک اندیشه با فضاهای محلی اختلاف زیادی دارد و این نشان از کمبود یا نبود مؤلفه‌ها و معیارهای اجتماع پذیری در این فضاهاست.

نتیجه گیری

در این پژوهش ۹ فضای عمومی در مقیاس محله‌ای شامل بوستان‌ها در دو محله جداگانه (محله دبستان و سه‌رودی) و در مقیاس ناحیه یک فضای عمومی (پارک اندیشه) مورد بررسی قرار گرفته شد. معیارها و شاخص‌های اجتماع پذیری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند از آن جمله دسترسی، امکانات و تسهیلات، تعاملات اجتماعی و فعالیت‌ها عوامل مهم‌تری در جذب افراد به فضاهای عمومی‌اند. دیگر معیارها مانند حفاظت، انعطاف پذیری، امنیت، فعالیت جانبی و ... هر یک به نوبه خود تأثیر بسزایی در اجتماع پذیری فضاهای عمومی دارند که هر یک به طور مفصل بحث شد.

همان‌طور که در بخش تحلیل به آن اشاره شد، نتایج حاکی از آن است که فضاهای عمومی محلی تنها به دلیل نزدیکی به محل سکونت و نبود فضایی دیگر، مورد استفاده بیشتر ساکنین قرار می‌گیرند. فضای عمومی ناحیه‌ای با وجود داشتن فاصله بیشتر نسبت به فضای عمومی محلی باز هم مورد استفاده ساکنین محله‌ها قرار می‌گیرد. با توجه به مشاهدات و نتایج می‌توان این‌گونه استنباط کرد که فضای عمومی ناحیه به دلیل داشتن امکانات، خدمات و تسهیلات بیشتر، جذابیت فضایی، بزرگ‌تر بودن و ... از طرفی توانایی بیشتری در جذب مردم داشته و به عنوان فضایی اجتماع پذیر و موفق شناخته می‌شود. از طرف دیگر به صورت نامحسوس موجب متروک و رها شدن فضاهای عمومی مقیاس محله شده است.

عدم توجه به اصول طراحی و برنامه‌ریزی در ساخت فضاهای عمومی در مقیاس محلی یکی از ریشه‌های به وجود آورنده این معضل (رها شدن فضاهای عمومی محلی) است. انتخاب فضاهای رها شده میان ساختمان‌ها، زمین‌های متروک، پرتی‌های لبه خیابان‌های اصلی یا محلی، فضایی جهت اتصال خیابان‌های اصلی به محلی و ... و تبدیل آنها به فضای عمومی در مقیاس محله از اقداماتی است که به بلااستفاده ماندن فضاهای عمومی محلی و متروک شدن آنها دامن زده است. اختصاص چنین فضاهایی به فضای عمومی در مقیاس محله تنها مزیتی که دارد اثبات وجود فضاهای عمومی در مقیاس محله است، چرا که این فضاها نه از ابتدای تأسیس و نه به مرور زمان هیچ معیاری جهت تبدیل به فضای عمومی موفق را ندارند. براساس نتایج بخش تحلیل فضاهای عمومی محلی در دو محله مورد بررسی جذابیتی برای ساکنین نداشته و دلیل استفاده ساکنین محله‌ها از آنها اجبار و نبود فضایی دیگر بوده است. این امر موجب شده که فضاها بعد اجتماع پذیری خود را از دست داده و نتوانند کارایی تعریف شده خود را داشته باشند. با کم‌رنگ شدن بعد اجتماع پذیری فضاهای عمومی در مقیاس محله، فضاها رنگ و بوی فضایی خاموش به خود می‌گیرند و به مرور زمان مؤلفه‌های دیگر موفقیت در فضا را نیز از دست می‌دهند و به فضایی صرفاً جهت عبور تبدیل می‌شوند.

با طراحی و برنامه‌ریزی این چنین فضاهایی نیاز ساکنین در محله‌ها جهت استفاده از فضاهای عمومی برطرف نخواهد شد. در نتیجه ساکنین هنوز به دنبال فضایی مطلوب جهت رفع این نیاز هستند. با توجه به بررسی که صورت گرفت فضاهای عمومی در مقیاس ناحیه اولین گزینه انتخابی جهت پاسخ به این نیاز هستند. چرا که این فضاها در مقایسه با فضاهایی که برای محله‌ها طراحی شده‌اند به مراتب از کارایی بیشتری برخوردار بوده و توانایی بیشتری برای پوشش نیازهای ساکنین محله‌ها دارند. در پی عدم استفاده ساکنین محلات از فضاهای عمومی محلی و مراجعه بیشتر به فضای عمومی ناحیه‌ای، تداخل عملکردی بین این فضاها به وجود می‌آید به این صورت که فضاهای عمومی در مقیاس بالاتر کاستی‌های فضا در مقیاس پایین‌تر را جبران می‌کند. گرچه این امر موجب رونق هرچه بیشتر فضا در مقیاس بالاتر یعنی ناحیه شده و به مرور موفقیت این فضا را تضمین می‌کند، اما موجب به عقب رانده شدن فضا در مقیاس محلی نیز می‌شود.

نتیجه کلی پژوهش در قالب فرضیه تحقیق مطرح شده با توجه به بررسی فضاهای عمومی در دو مقیاس به تأیید این فرضیه می‌رسد. یعنی عدم توجه به مقیاس‌های فضاهای عمومی منجر به اختلال یا تداخل عملکردی بر روی فضای عمومی ناحیه شده و همچنین فضای عمومی در مقیاس پایین‌تر یعنی فضای عمومی مقیاس محلی کارایی نسبی خود را از دست داده و به هدف تعیین شده نخواهد رسید.

در پاسخ به این سؤال که آیا وجود فضاهای عمومی در مقیاس‌های نزدیک به محله و ناحیه در ارتقاء اجتماع پذیری فضاهای عمومی ضروری است می‌توان گفت: فضاهای عمومی در مقیاس‌های مختلف نقش و کارکرد ویژه خود را دارند و وجود این فضاها در مقیاس‌های مختلف امری ضروری به حساب می‌آید. نبود یا کمبود یا عدم کارکرد درست فضا در یک مقیاس موجب تحمیل نقش این فضا به دیگر فضاها در مقیاس‌های دیگر شده و دیگر فضاها باید این نقش را پذیرا شوند. طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی براساس ابعاد فضاهای عمومی

موفق در مقیاس‌های مختلف می‌تواند از این امر جلوگیری کند. فضاها در مقیاس‌های مختلف باید وجود داشته باشند تا افراد بتوانند به فراخور وضعیت، سلیقه، نیاز و ... فضای مورد نظر خود را انتخاب کرده و در آن حضور یابند. کارکرد نادرست فضاها در مقیاس محلی علاوه بر اینکه موجب اجبار در استفاده از فضاها توسط افراد می‌شود، موجبات خالی و رهاشدن این فضاها را نیز فراهم می‌کند. از این رو ضروری است که ابعاد مختلف در طراحی این فضاها در نظر گرفته شود تا فضاها در مقیاس‌های مختلف بتوانند در کنار یکدیگر به ایفای نقش خود بپردازند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Pearson Correlation Coefficient. ۲. temporary claim. ۳. Project for Public Space. ۴. Socializing. ۵. Proximity. ۶. Endurance. ۷. Familiarity. ۸. Facilities. ۹. Supportive physical characteristics. ۱۰. لازم به توضیح است نحوه امتیازدهی و جداول و نمودارها در رساله یاد شده به طور تفصیل آمده است.

فهرست منابع

- پرتوی، پروین. ۱۳۹۱. فضای عمومی و زنان. سمینار زنان و مسایل شهری. تهران: شهرداری تهران.
- تیبالدز، فرانسیس. ۱۳۸۷. شهرسازی شهروندگرا. ت: محمد احمدی‌نژاد. اصفهان: خاک.
- جیکوبز، جین. ۱۳۸۷. مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی. ت: حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: دانشگاه تهران.
- چرخچیان، مریم. ۱۳۸۸. بررسی تحلیلی عوامل مؤثر بر افزایش دلبستگی به فضاهای شهری با تأکید بر تنوع فعلیتی. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه علم و صنعت: دانشکده معماری و شهرسازی.
- دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم. ۱۳۸۶. فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. باغ نظر، ۴(۷): ۱۹-۲۸.
- دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم. ۱۳۸۸. بررسی مؤلفه‌های طراحی فضاهای عمومی پاسخگو. جغرافیا و برنامه‌ریزی (دانشگاه تبریز)، ۱۴(۳۰): ۵۳-۸۶.
- رفیعیان، مجتبی و خدایی، زهرا. ۱۳۸۸. بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. راهبرد، ۱۸(۵۳): ۲۲۷-۲۴۸.
- شولتز، کریستیان نوربرگ. ۱۳۸۴. معماری، حضور، زبان و مکان. ت: علیرضا احمدیان. تهران: نیلوفر.
- فرگاس، جوزف. ۱۳۷۹. روانشناسی تعامل اجتماعی: رفتاری میان فردی. ت: مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی. تهران: ابعاد.
- کارمونا، متیو. ۱۳۹۰. مکان‌های عمومی، فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری. ت: زهرا اهریو دیگران. تهران: دانشگاه هنر تهران.
- گل، یان. ۱۳۸۷. زندگی در فضای میان ساختمان‌ها. ت: شیما شصتی، چاپ اول. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گروهست، سوزان و لنارد، هنری. ۱۳۷۷. طراحی فضای شهری و زندگی اجتماعی. ت: رسول مجتبی‌پور. نشریه معماری و شهرسازی، ۷(۴۴ و ۴۵): ۳۰-۴۰.
- لنگ، جان. ۱۳۸۴. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ت: علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی. ۱۳۸۷. فضاهای عمومی و خصوصی شهر. ت: فرشاد نوریان. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مردمی، کریم، قمری، حسام. ۱۳۹۰. الزامات معماری تأثیرگذار در اجتماع‌پذیری فضای ایستگاه‌های مترو. مدیریت شهری، ۲۷(۲): ۳۱-۴۰.
- وب سایت رسمی شهرداری منطقه ۷ تهران، ۱۳۹۲.
- هال، ادوارد تی هال. ۱۳۸۷. بعد پنهان. ت: منوچهر طیبیان. تهران: دانشگاه تهران.

- Tybaldz, F. (2008). *Urban-oriented citizens*. Translated to Persian by Ahmadinejad, M. Isfahan: Khak.
- Van Raaij, W. F. (1983). *Shopping Center Evaluation and Patronage in the City of Rotterdam. Economic Psychology*. Rotterdam: Erasmus.
- Whyte, W. (1980). *Social life of small urban space. Conservation. Project for Public Spaces, US nonprofit organization for creating and sustaining public places*. www.pps.org. (Accessed in 10 november 2014).

Reference list

- Alexander, Ch., Ishikawa, S. & Silverstein, M. (1968). *A Patter language which Generates Multi-Service center*. Erkeley: Center for environmental Structure.
- Car, S. et al. (1992). *Public Space*. Massachusetts: Cambridge university press.
- Car, S. (1982). Some Criteria for Environment form. In S. Kaplan and R. Kaplan (Eds). *Humanscape: Environments for People*. Michigan: Ulrichs Books.
- Carmona, M. (2003). *Public places – urban spaces. The dimation of urban design*. Oxford: Architectural press.
- Carmona, M. (2011). *Public places, urban spaces, different aspects of urban design*. Translated to Persian by Ahari, Z., et al. Tehran: Tehran Art University.
- Chrkhchyan, M. (2009). *The analysis of the factors influencing the increased interest in urban spaces with an emphasis on diversity activities*. Ph. D. Thesis. Iran University of Science and Technology: School of Architecture & Environmental Design.
- Daneshpur, S. A. & Chrkhchyan, M. (2007). Public spaces and factors affecting collective life. *Bagh- e Nazar*, 7(1):19-28. |
- Daneshpur, S. A & Chrkhchyan, M. (2009). The components responsible for the design of public spaces. *Journal of Geography and Planning of Tabriz*, 14 (30): 53-86.
- Dines, N & Cattell, V. (2006). *Public spaces, Social relations and well-being in East London*. London: The policy press.
- Douglas, M. (2003). *Urban Space in Globalization era*. International Development Planning Review, Nov., includes 6 articles 24-4:
- Efrogmson, D. & Thi Kieu Thanh Ha, T. & Thu Ha, Ph. (2009). *Public Spaces: How They Humanize Cities*. Dhaka: HealthBridge - WBB Trust.
- Francis, J. et al. (2012). Creating sense of community: The role of public space. *Journal of Environmental Psychology*, (32) : 401-409.
- Frgas, J. (2000). *Psychology of social interaction, interpersonal behavior*. Translator: Firoozbakht, M. & Beygi, Kh. Tehran: Abjd.
- Garcia-Ramon, M. (2004). Urban Planning, gender and the use of public space in a peripheral neighbourhood of Barcelona. *Cities*, 21 (3): 215-223.
- Gehl, J. (1987). *Life Between Buildings: Using Public Space*. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Gehl, Y. (2008). *Life in the space between the buildings*. Translated to Persian by Shasti, Sh. Tehran: University Jahad Organization.
- Gehle, J. & Lars, G. (2004). *Public Spaces, Public Life*. Melbourne: The Danish Architectural Press.
- Hall, E. (2008). *Hidden dimension*. Translator: Tabibian, M. Tehran: University of Tehran.
- Hall, E. T. (1982). *The hidden Dimension*. New York: Anchor books, Cambridge university Press. Available from: <http://region7.tehran.ir/>
- Jacobbs, J. (1961). *The death and life of Great American cities*. Translated to Persian by Parsi, H & Aflatooni, A. Tehran: University of Tehran.
- Kurniawati, W. (2012). Public Space for Marginal People. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*: (36) : 476 – 484.
- Lang, J. (1987). *Creating Architectural Theory: the role of behavioral Science in environment design*. New York: Van nostrand Reinhold.
- Lang, J. (1994). *Urban Design: American experience*. New York: Van nostrand Reinhold.
- Lang, J. (2005). *Creation theory of architecture: The role of behavioral science in environmental design*. Translated to Persian by Aynifar, A. Tehran: University of Tehran University.
- Lenard, K. & Lenard, S. (1998). Urban design and public life. Translated to Persian by Mojtabapoor, R. *Journal of Architecture and urbanism*, (44, 45):30-40.
- Lennard & Lennard (1984). *Public life in urban places*. Southampton: Godlier.
- Lokaitou-Sideris, A. & Banerjee, T. (1998). *Urban Design Downtown: Poetics and Politics of Form*. California: University of California Press.
- Lowson, B. (2001). *The language of space*. Oxford: Architectural press.
- Madaniypoor, A. (2008). *Public and private spaces of the city*. Translated to Persian by Nooriyan, F. Tehran: Urban planning processing and printing.
- Mardomi, K. & Ghamari, H. (2011). Influential architectural requirements of the subway stations in the community. *Journal of Urban Management*, (27): 31-40.
- Oldenburg, R. (1999). *The Great Good Place: Cafes, Coffee Shops, Community Centers, Beauty Parlors, General Stores, Bars, Hangouts, and how they Get You Through the Day*. New York: Paragon House.
- Osmand, H. (1957). *Function as basis of psychiatric ward design*. New York: Holt Rine hart & Winston.
- Partovi, P. (2011). *Seminar on women and urban issues*. Tehran: Tehran Municipality.
- Rafieian, M & Khodaie, Z. (2009). The indicators and criteria that affect citizen satisfaction with urban public spaces. *Journal of Rahbord*, 18 (53): 227-248.
- Salingaeros, N. (2006). *A Theory of Architecture*. Umbau: Verlag herald Puschel.
- Schultz, C.N. (2005). *Architecture, language and place*. Translated to Persian by Ahmadiyan, A. Tehran: Niloofar.
- Truss, I. (2005). *Talk to the hand: The utter bloody rudeness of everyday life, or, six good reason to stay at home and blot the door*. London: Profile books.

Analysis of Factors Affecting the Creation and Promotion of Sociability in Public Spaces in Different Scales of Tehran City (Case studies: Two Neighborhoods and an Area in District 7 Tehran)*

Delaram Shojaee**

Parvin Partovi***

Abstract

Tendency to the mechanized life, the widespread presence of various means of transportation and the change of city image due to the dominance of vehicles in urban areas, the segregation of people from public spaces, neglecting of social cultural values and the identity values which is hidden in the public spaces, inattention to the maintenance and improvement of community life in the former decades has led some public spaces to lose their importance and role in different urban scales. Creation of public spaces at different urban scales in recent decades has been an attempt to meet the needs of the human community to the public spaces. The presence of people in these spaces leads to the sociability of public spaces which is a factor for space success. Now, similar scales, lack of criteria for success of public spaces and lack of criteria for sociability of space have led to emptiness and rejection. In this viewpoint the identification of the creation and promotion of sociability in public spaces is necessary to prevent the falling off public spaces at different scales. In this regard, the question is what the factors affecting the creation and improvement of sociability public spaces are and whether public spaces close neighborhood and regional scale is necessary or not. The aim of the leading research is to express the effective factors in creation and promotion of sociability in public spaces considering the different scales of public spaces of Tehran. To meet the expressed purpose, firstly studies have been conducted for the concept of public spaces, sociability and the sociability of public spaces. Moreover some criteria for evaluation of sociability in a conceptual model in three phases of sociality, physical and activity have been developed. Seven criteria for physical dimensions, five criteria for social dimensions and two criteria for activity dimensions were selected to evaluate these aspects. For measuring the criteria, two public spaces of Sohrevardi neighborhood and Dabestan and Andisheh Park have been selected. This study is among the qualitative and quantitative research. Methods In this research is descriptive – analytical since it describes and investigates the understanding of sociability in the public spaces and factors in creation and promotion of it. The research is Analysis because it is requires analysis of various factors of sociability in public spaces and in parts of the research was used analytical method. In the main part of research, field investigations was conducted through use of case studies. In order to meet the assessment criteria and meeting the hypotheses and questions of research, observations and quality analysis, use of descriptive statistics and inferential statistics (done by SPSS software) have been done. The data collection tool in this research was questionnaire, observation and presence in public spaces, respectively. The questionnaire is set to measure the criteria and indicators of sociability in public spaces and answer questions and hypotheses of research. Observes and presence in space by the researcher continued in several days at different times of day and in all the spaces. The population study comprises all residents of Dabestan and Suhrevardi neighborhoods. Questionnaires distributed among the people in the area who are a resident of the neighborhoods. The sample size in this study that is based on the Devas table at 95 percent, with 10 percent of sampling error in selected 100 samples. In each of the spaces of Dabestan neighborhood, Suhrevardi neighborhood and public spaces 100 questionnaires was distributed of which makes a total of 300 distributed questionnaires. The result shows that public space of the area with less access and fairness has been more agreed than public spaces by more residents of two neighborhoods and has the most sociability. Also the obtained result shows that paying attention to sociability criteria during planning and designing of spaces creates adjacent spaces which survive in different scales. Public spaces in different scales have their own role and function and it is essential for these spaces at different scales. Lack or shortage or non-functioning space on a scale will impose other measures of space to other spaces that has to be accepted by other spaces. Design and planning of public spaces based on the dimensions of successful public spaces in various scales can prevent this issue. There should be spaces in various scales in order to attract people according to their status, tastes, needs and etc who want to select their desired space and attend it. Not only improper space function in local scales causes force for people to use the space, but also provides the opportunity to abandon these spaces. Hence it is essential that various aspects of space design be considered in order to carry out their role in various scales.

Keywords

Sociability, Public space, Neighborhood, Area.

*. This paper is derived from the studies of master dissertation of “Delaram Shojaee” entitled “Analysis of factors affecting the creation and promotion of socialization in public spaces in Tehran city (Case study: Two neighborhood and one area in region number 7 Tehran)” carried out under supervision of Dr. Parvin Partovi, in Art University of Tehran.

** . M. A. in Urban Planning, Tehran University of Art. del.sh86@yahoo.com

***. Ph. D. in Urbanism. Associate Professor, Tehran University of Art. p.partovi@art.ac.ir